

خبر

استاندارد جلی «به‌آب – آکوا آلتورا»

● **ایسنا:** اداره کل استاندارد استان تهران از توقیف آب معدنی با نام تجاری «به‌آب – آکوا آلتورا» به دلیل نشان جعلی و نیز غیراستاندارد بودن خبر داد.
علاوه بر این قند و شکر غیراستاندارد به نام تجاری «نگین» نیز متوقف شده است. تولیدکننده متخلف آب معدنی مذکور با وجود ابطال پروانه استاندارد این فراورده در ماه‌های گذشته اقدام به تولید کالای غیراستاندارد و جعل نشان استاندارد روی بسته‌بندی خود کرده و به دلیل همین تخلف، به دادگاه معرفی شده است.

جدیدترین علت تأخیر افتتاح آزادراه تهران-شمال

● **ایسنا:** تاریخی‌ترین پروژه راهسازی ایران که می‌تواند با افتتاح خود بخش درخور توجهی از دغدغه‌های مطرح در سفر استان‌های مرکزی به سمت شمال کشور را برطرف کند، هنوز در مراحل پایانی افتتاح قطعه نخست قرار دارد و طبق اعلام رئیس بنیاد مستضعفان عواملی چندگانه دلیل تأخیر در این افتتاح بودند. بنس بنیاد مستضعفان، از مسائل فنی موجود این پروژه نیز به‌عنوان یکی دیگر از علت‌های اصلی این تأخیر یاد می‌کند. او که در هجدهمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل، در دانشگاه علامه طباطبایی، به سؤالات دانشجویان پاسخ داد، تصریح کرد که تونل‌های منطقه یک آزادراه تهران – شمال نیاز به اقداماتی مانند ساخت سقف کاذب و نصب تجهیزات مکش داشته است که همین مسائل باعث به‌تأخیرافتادن بهره‌برداری آن شده است.
هرچند سیدعبی‌کیا از جزئیات نصب این تجهیزات سخنی نگفته؛ اما به نظر می‌رسد تا توجه به پیگیری دو طرف برای بهره‌برداری نهایی از این پروژه این اقدامات نیز در هفته‌های آینده نهایی خواهد شد تا سرانجام قطعه نخست این آزادراه پس از سال‌ها انتظار در سال ۱۳۹۶ به بهره‌برداری برسد.

کارگاه مناقصه میدان آزادگان در تهران برگزار می‌شود

● **ایلنا:** وزیر نفت ضمن اعلام خبر حضور تعدادی از مدیران شرکت‌های خارجی برای حضور در کارگاه مناقصه میدان آزادگان گفت: فرایند برگزاری این مناقصه، هفت یا هشت ماه به طول می‌انجامد که این روند طبیعی است.
بیزن زنگنه با اشاره به اینکه فرایند مناقصه میدان آزادگان آغاز شده است، اظهار کرد: میدان آزادگان، میدان بزرگی است، باید طرف‌های خارجی ابتدا پیشنهاد فنی و سپس مالی خود را به ترتیب ارائه دهند تا سرانجام برنده اعلام شود. او افزایش ضریب بازیافت مخازن نفتی و توسعه میدان‌های مشترک را مهم‌ترین اولویت وزارت نفت در چهار سال آینده عنوان کرد و گفت: رسیدن به این اهداف مستلزم جذب منابع و سرمایه خارجی و همچنین فناوری روزآمد دنیاست. زنگنه با بیان اینکه برای دستیابی به منابع خارجی و فناوری روزآمد دنیا باید با شرکت‌های درجه‌یک خارجی همکاری کنیم.
تصریح کرد: شرکت‌های ایرانی باید در کنار شرکت‌های خارجی با هدف تولید نفت و گاز بیشتر و جلوگیری از هدررفت منابع نفتی و ایجاد اشتغال تلاش کنند. وزیر نفت ادامه داد: صنعت نفت گرچه در مرحله بهره‌برداری صنعتی اشتغال‌زا تلقی نمی‌شود؛ اما در مرحله اجرای طرح‌ها بسیار اشتغال‌زاست و حجم عظیمی از اشتغال را در کشور ایجاد می‌کند که ما به آن نیازمندیم. وی درباره نوسازی تأسیسات نفتی نیز گفت: بسیاری از تأسیسات نفتی ۶۰ تا ۷۰ سال عمر دارند که بخش درخور توجهی از آنها مستهلک شده و نیازمند نوسازی هستند و در مواردی نیز به بازسازی نیاز دارد. زنگنه تصریح کرد: همان‌طور که از نفت انتظار می‌رود، این صنعت در جذب سرمایه خارجی و تحرک در تحول اقتصادی کشور پیش‌از است و به‌همین‌دلیل به توجه ویژه نیاز دارد. وی به دیگر برنامه‌های صنعت نفت اشاره کرد و گفت: تلاش داریم سوخت گازهای همراه نفت را به صفر برسانیم. پایانه جدید نفتی جاسک را در سواحل دریای عمان بسازیم. گازرسانی روستایی در مناطق باقی‌مانده را به اتمام برسانیم و جهش جدیدی در صنعت پتروشیمی کشور برای جلوگیری از خام‌فروشی ایجاد کنیم. وزیر نفت ادامه داد: همچنین می‌کشیم در توسعه صنعت پالایش در ابعاد کیفی و کمی قدم برداریم، ساختار صنعت نفت را سرآمد و روزآمد کنیم و برنامه‌های مفصل و ویژه‌ای برای نیروی انسانی تدارک دیدیم. زنگنه درباره ساماندهی نیروی انسانی در صنعت نفت نیز گفت: در بخش نیروی انسانی با معضل بزرگی روبه‌رو هستیم؛ زیرا در سال ۸۲ حدود ۱۲۰ هزار نفر نیرو داشتیم؛ اما در سال ۹۲ این تعداد به ۴۲ هزار نفر رسید؛ بدون اینکه کار با مأموریت جدیدی به صنعت نفت اضافه شود... وی با اشاره

به خروج ۲۵ هزار نیروی انسانی از مجموع نیروهای وابسته به وزارت نفت افزود: این تعداد در پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی واگذار شده فعال هستند و از فهرست نیروها خارج شده‌اند؛ بااین‌حال ساماندهی این حجم نیروی باقی‌مانده در صنعت نفت کار بسیار دشواری است و جزء اولویت‌های کاری من در این دولت به شمار می‌آید. وزیر نفت با بیان اینکه افزون بر توجه به وضع نیروی انسانی، کیفیت نیروها هم باید ارتقا یابد، تصریح کرد: البته ما از کاهش نیرو صحبت نمی‌کنیم؛ بلکه می‌خواهیم نیروها را ساماندهی کنیم.

ادامه از صفحه ۵

حرف از شکایت‌های حقیقی و حقوقی به میان آورد که حتی از دو نفر از اعضای سازمان هم شکایت شده. ماجرا از چه قرار است؟

یکی از وظایف بخش معاونت نظارت حقوقی و امور قراردادهای سازمان خصوصی‌سازی، این است که در وهله اول، نظام حقوقی شفاف و پاسخ‌گویی را طراحی کنند تا بخش‌های غیردولتی بتوانند اعتماد کنند و وارد معاملات برنامه خصوصی‌سازی دولت شوند. مستندات مبنای یک قانون باید تبدیل به قرارداد یا وکالت‌نامه یا اسناد حقوقی شود و باید آن‌قدر شفافیت داشته باشد که طرف مقابل، اعتماد کند. از طرف دیگر، سازمان خصوصی‌سازی باید هر دو ملاحظه را داشته باشد؛ یعنی هم باید نظام حقوقی را طراحی کند که در آن حقوق مالکانه تصویب شود و فرد نسبت به چیزی که خریداری می‌کند، تعلق‌خاطر به دست بیاورد و از طرف دیگر، به دلیل اینکه نماینده دولت در اجرای برنامه خصوصی‌سازی است، باید از حقوق عمومی هم به‌خوبی دفاع کند. به نظر می‌رسد دو پارادوکس است؛ اما واقعیت این است که دو وجه حقوقی است که کاملاً مکمل هم هستند و باید در کنار هم تعریف شوند.

از طرف دیگر باید این اطمینان ایجاد می‌شد که اگر کسی مراجعه می‌کند، بتواند در فرایندی ساده و شفاف، اگر اختلاف‌نظری با سازمان خصوصی‌سازی وجود داشته باشد، طرح دعوا کند. براساس این در فرایند کاملاً مشخصی، چون نمی‌خواهیم خریداران در فرایندهای دادرسی پیچیده و پرهزینه قرار بگیرند، به موجب قانون، قانون‌گذار این طرحی را انجام داده که در این فرایند داورى در مرجع قضایی داورى، طرح شکایت کنند. این فرایند بعد از مستندسازی اجتناب‌ناپذیر است. طبیعی است که از سازمان خصوصی‌سازی ممکن است شکایت‌هایی شود یا سازمان خصوصی‌سازی نسبت به تعهدات مجبور شود شکایت‌هایی را در داورى مطرح کند. پس یک سری پرونده حقوقی در هیئت داورى داریم که دوطرفه است؛ یعنی ممکن است ما شاکی باشیم یا کسی علیه ما شکایت کرده باشد که عملکرد چهارساله ما نشان می‌دهد حدود ۱۳۳ پرونده که در چهار سال که در هیئت داورى مطرح شده، بخش درخور توجهی را که به قرب صدردرد است، توانسته‌ایم قانع کنیم و به نفع سازمان رای صادر شده. البته واقعا مواردی هم هست که ممکن است اختلاف‌نظرهایی وجود داشته باشد که در این اختلاف‌نظرها، مرجع تصمیم‌گیری هیئت داورى قرار می‌گیرد؛ اما در کنار این بحث‌ها، مواردی هم بوده که از معاونت حقوقی، مدیران کل، دعواى کفبرى کرده‌اند. وقتی در دولت هستیید و وظیفه سازمانى خودتان را انجام می‌دهید، خیلی سخت است که وارد شکایت کفبرى علیه شما بشوند؛ چون آتجا شرایط دادگاه، نوع دفاع، مستندات ارائه‌شده و احکامی که صادر می‌شود، کاملاً متفاوت از قضایی است که در داورى با یک فضای کاملاً حقوقی داریم؛ اما برای فشار به کارگزاران دولت برای اینکه تصمیماتی خارج از مسیر دادگاه گرفته شود، دعواى کفبرى هم انجام شده است.

چند دعوا؟ فعلاً سه دعواى کفبرى علیه سه مدیر سازمان خصوصی‌سازی انجام شده که سه مقطع بررسی می‌شود. این شکایت علیه معاون حقوقی و دو مدیرکل دفتر حقوقی انجام شده است. در حال دفاع هستیم و امیدوار هستیم دادگاه محترم به این موضوع که موضوع خصوصی‌سازی شخصی نیست و کاملاً بحث حاکمیتی است و اختلافاتی که روی قراردادهای یا نحوه محاسبات مطرح می‌شود، باید در همان فرایند داورى بررسی شود، توجه کند.

خب، حالا نگاهی داشته باشیم به پرونده‌های خاص در سازمان خصوصی‌سازی. در ماجرای واگذاری مخابرات، درگیری‌هایی رخ داد و تا فسخ قرارداد هم پیش رفت؛ اما با مهلت ۱۵ روزه‌ای که شرکت توسعه اعتماد مبین از رئیس‌جمهور گرفت، بخشی از اقساط معوقه پرداخت شد؛ اما خبر رسیده باز هم مالک این شرکت، تأخیر در پرداخت قسط داشته. ماجرا چه شد؟

سازمان خصوصی‌سازی به موجب اختیاراتی که دارد، می‌تواند استمهال کند. اختلافاتی که سال گذشته با شرکت توسعه اعتماد به‌عنوان خریدار شرکت مخابرات مطرح شد، از باب انجام‌دادن تعهدات مالی شرکت بوده، نه تخلفات دیگر. ما هم تعهد خزانه‌ای داریم که سازمان باید در موعد مقرر تعهدات خودش را انجام دهد. از طرف دیگر باید کنترل نظارت داشته باشیم که شرکت شرایط مناسبی داشته باشد و بتواند از باب حاکمیت شرکتی کنترل خودش را بر شرکت داشته باشد و نگرانی‌ای که ممکن است هر آن شرکت را از من بگیرند یا نه، تأثیری روی بدنه شرکت نگذارد. کار بسیار پیچیده‌ای است، اما در بحث تعهدات برای شرکت مخابرات در سال گذشته تأخیرهایی را داشتیم که در مراجلی این تأخیر آن‌قدر زیاد شده بود که سازمان به طرف فسخ رفت؛ اما با مهلت کوتاهی که به شرکت توسعه اعتماد مبین داده شد، تعهدات مالی خودش را انجام داد. این دوره هم همین بحث است؛ اما الان در این مرحله وارد فاز تهاوت شده؛ یعنی توسعه اعتماد مبین و خریداران از دولت مطالباتی دارند که به موجب بودجه سنواتی می‌توانند طلب- بدهی خودشان را با دولت تهاوت کنند.

اگر بر سر چه چیزی می‌خواهند تهاوت کنند؟

اقتصاد

لج‌بازی یک نماینده سابق با رأی دادگاه



عکس: زینوف رستنی، شرق

اطلاعی ندارم. مستنداتش در وزارت اقتصاد رسیدگی می‌شود؛ اما الان براساس اعلام در مرحله تهاوت هستند که منتظر هستیم مصوبه دولت بیاید و اگر تهاوت انجام شود، تعهدات مالی هم پاک می‌شود.

چند قسط باقی مانده است؟

از جزئیات مطلع نیستم؛ اما در حال حاضر بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان بدهی دارند. وزارت اقتصاد باید به این نتیجه برسد که طلب تأیید شود.

پرونده المهدی چطور؟ به کجا رسید؟

در پرونده المهدی، شاکیان از سازمان خصوصی‌سازی، ۲۱ نفر از نمایندگان محترم مجلس بودند که آقایان به نحوه قیمت‌گذاری ابراداتی را به هیئت واگذاری و سازمان خصوصی‌سازی وارد کردند که در بحث‌های اولیه به دلیل اینکه قانع نشدند، طرح شکایت را در پیش گرفتند. شکایت آقایان در هیئت داورى به طور کامل رسیدگی شد و شکایت رد شد. در مرحله تجدیدنظر هم که دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد، نمایندگان مجلس رأسا نمی‌توانند از قراردادهای دولت طرح شکایت کنند و شکایت باید از طریق قوه مقننه پیگیری شود، نه نمایندگان؛ باین‌حال، اخیراً یکی از نمایندگان که درگیر این شکایت بود، با وجود اینکه رای قطعی صادر شده، باز بحث‌هایی را که در دادخواستشان مطرح کرده بودند، ایرادات واگذاری را تکتک مطرح کرده؛ انگار نه انگار یک سال این مسیر دادگاه طی شده.

چنین اقدامی، جنبه سیاسی‌کاری دارد؟

صرف‌نظر از مسائل سیاسی، بحث حقوق عمومی است. وقتی یک سال سازمانی را درگیر دعوا می‌کنید و دو دادگاه رای می‌دهند که مسیر طی‌شده به وسیله سازمان خصوصی‌سازی درست بوده، شما به حسب جایگاه نمایندگان طی طرح شکایت می‌کنید. الان هم دیگر نماینده مجلس نیستید.

اما باز از یک بلندگویی دیگر این مباحث را مطرح می‌کنید و تکتک موارد را که در دادگاه رسیدگی شده طرح می‌کنید! انتظار من کارگزار دولت از کسی که در مرجع قانون‌گذاری کشور است، آن است که نماینده سابق مجلس خودش پاینده به این قانون باشد و بعد از کارگزار و مردم برای رعایت قانون انتظار داشته باشند. وقتی این مسیر طی شده، کلی وقت و منابع کشور تلف شده و داستان از اول شروع می‌شود، مثل این است که همیشه باید درگیر مباحثی باشیم که قابل حل نیست چون فرد نمی‌خواهد نظرش را تغییر دهد! این رفتارها به نفع هیچ‌کس نیست. اینکه تصور کنیم ما درست می‌گوییم و همه مسیر را اشتباه می‌روند، به نفع نیست.

در ماجرای سهام عدالت، حرف از مافیای ۲۵۰نفره به میان آمد و اخیراً وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم از عدم پاسخ‌گویی آنها سخن به میان آورد. دقیقاً چه اتفاقی در حال رخ دادن بود؟

واقعیت این است که صرف‌نظر از طرح سهام عدالت که طرح واگذاری مالکیت به عموم مردم محسوب می‌شود و در خیلی از کشورها تجربه این کار وجود داشته، با گذشت ۱۰ سال از عمر این طرح، متوجه می‌شویم مبنای کارشناسی در فرایندها چندان مشاهده نمی‌شود. تجربه نشان می‌دهد می‌توانستیم بهتر رفتار کنیم، سهمی را به مردم داده‌ایم، در این واگذاری که مشروط بوده، یعنی باید در مدت ۱۰ سال، تسویه حساب با دولت انجام می‌شد و پس از آن، واگذاری به مردم رخ می‌داد. اینکه در این فاصله، ارتباط دولت را قطع کنیم و بگوییم هر کسی در این سیستم خودش بالا آمد، مسئولیت شرکت‌های سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار و تعاونی را برعهده بگیرد و نظارتی طراحی نکردیم، به نظر من جهت کارشناسی ناقص بوده است. اینکه در مراحل اول که تصویب می‌کنیم افرادی به‌عنوان عضو شرکت‌های سرمایه‌گذاری مسئول بشوند و افرادی برای شرکت‌های سرمایه‌پذیر که عمدتاً شرکت‌های بزرگ کشور محسوب می‌شدند، بدون هیچ سابقه و تحصیلات مرتبط در هیئت‌مدیره‌ها بنشینند و تصمیم بگیرند به نفع هیچ‌کس نبود. دولت در سال ۸۹ و ۹۳ تأیید کرد که تا زمان آزادسازی اولا باید از این طرح حمایت کنیم چون معلوم نیست در پایان ۱۰ سال چه جمعی از این سهام قابل انتقال به مردم خواهد بود و چه بخشی باید به دولت برگردد. از طرف دیگر با توجه به تخصصی که افراد

معرفی شده نداشتند، گفته می‌شد شرکت‌های مادر تخصصی خودشان مسئولیت حضور در شرکت‌های سرمایه‌پذیر را برعهده بگیرند تا زمانی که تکلیف آزادسازی و انتقال مستقیم به مردم بدون واسطه انجام شود. این اتفاق افتاد. در آن مقطع چه اتفاقی افتاد، چه کسانی معرفی شده و چطور شرکت‌ها را کنترل کرده‌اند، قابل بررسی است. مفاهیم‌های وجود دارد. این است که این سهام باید مستقیماً به اشخاص و مردم منتقل شود. سهام بدون واسطه به حساب‌های مردم واریز شود و نحوه خرید و فروش هم باید در فرایند شفاف و مشخصی طراحی شود که هر کسی اولا قیمت روز را بداند و بداند با چه شرایطی می‌خواهد این سهام را نکه دارد یا بفروشد. از اهداف سهام عدالت این بود که بتوانیم فرهنگ سهام‌داری را منتقل کنیم. اینکه آیا در این فاصله از طریق آنچه طراحی اولیه در لایحه دولت است صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل خرید و فروش در بورس و اوراق بهادار، چطور امتیازاتی برایشان در نظر گرفته می‌شود، تابع فرایندی است که بعدها تعریف خواهیم کرد.

منظور من این فرایند نیست. می‌خواهم بدانم ماجرای مافیای ۲۵۰نفره چه بود؟

فرایند کارشناسی نبود.

اما افرادی سودهای کلان دریافت کرده‌اند.

سود که نه. فکر می‌کنم منظورتان پاداش پایان خدمتشان است. سود متعلق به دولت بود و دولت باید پول را ۱۰ سال برمی‌گرداند، چون بلاعوض نبود. دو گروه کمیته امداد و بهزیستی و روستاییان و عشایر از تخفیف ۵۰درصدی برخوردار بودند، اما بقیه از این تخفیف برخوردار نبودند.

وابستگی از اعضای انتخابی در هیئت‌مدیره وجود داشت؟

نمی‌توانم در مورد این موضوع قضاوت کنم، اما در کل سیستم مناسبی نبوده. در دو سال گذشته که کمیته تأیید صلاحیت اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بورس تشکیل شده و بنده هم از اعضای آن هستم، نزدیک به ۵۰ درصد اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های سرمایه‌گذاری حائز شرایط مانندن در هیئت‌مدیره بیرونی و توصیه‌شده بودند، این شرکت‌ها نبودند. در آن مقطع اگر افرادی از اینها برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری معرفی شده باشند که البته نشان می‌دهد بخشی از همین افراد بودند و بخشی هم از افراد بیرونی و توصیه‌شده بودند، می‌توانیم نسبتی از آنچه از کمیته تأیید صلاحیت وارد آمده

را تعمیم دهیم که این امر نشان می‌دهد افرادی که در آن لیست در دوره‌های اول برای شرکت‌های کارگزارى معرفی شده‌اند، کاملاً مشخصه عضو هیئت‌مدیره را نداشتند و چون آن موقع خیلی نظارت و کنترلی هم نبود، پاداش‌ها هم به آن افراد تعلق می‌گرفت.

در همین روزهای بررسی وزرای پیشنهادی دولت، برخی نمایندگان مجلس بحث پالایشگاه کرمانشاه را مطرح و از فسخ آن تشکر کردند. این قرارداد واقعاً فسخ شد؟

پالایشگاه کرمانشاه از شرکت‌هایی بوده که متأسفانه در سال‌های متوالی دارای زیان بوده و بدهی بسیار زیادی داشته. اگر اشتباه نکنم بیش از ۵۰ سال، عمر این نگاه است که نشان می‌دهد احتیاج به سرمایه‌گذاری جدید دارد. از این جهت که باید خیلی زود به داد این پالایشگاه رسید. این پالایشگاه، چندین نوبت به مزایده گذاشته شد که خریداری نداشته و معلوم است با این همه بدهی، ممکن است خیلی متقاضی نداشته باشد. این شرکت در سال گذشته به فروش رسید و خریدار را مستقر کردیم. امیدواریم با ورود خریدار جدید و سرمایه‌گذاری جدید شاهد تغییر و رونق پالایشگاه باشیم.

کمااینکه طبق اطلاعات در بازرسی‌ها متوجه شدیم خریدار با جدیت وارد سرمایه‌گذاری و اصلاح فرایندها در شرایط شرکت شده. اگر اشتباه نکنم بیش از مزایده، متأسفانه مخالفت‌هایی از سوی برخی نمایندگان مجلس صورت گرفت. دولت در جلسات متعدد به همه سؤالات برحسب وظیفه پاسخ داده است. به‌تازگی برخی از نمایندگان با بررسی‌ها و گزارش‌های تهیه‌شده به این نتیجه رسیده‌اند که این فرایند کاملاً درست بوده و این کار باید انجام می‌شد و قیمت‌گذاری و فرایند واگذاری هم کاملاً شفاف و به

موجب قانون انجام گرفته است. قرارداد بسته و ابلاغ شده، رابطه حقوقی با مردم برقرار شده و به‌راحتی امکان فسخ نیست مگر اینکه با حکم دادگاه این اتفاق بیفتد وگرنه سازمان خصوصی‌سازی یا دولت که نمی‌تواند امروز قراردادی را به دست مردم بدهد و فردا فسخ کند. درحال حاضر نه وارد فسخ هستیم و نه بحثی در این زمینه در دولت و نه سازمان خصوصی‌سازی که تنها مرجعی است که می‌تواند این فسخ را انجام دهد، مطرح شده است. بنابراین این فسخ را تکذیب می‌کنیم.

پرونده مشابهی بوده که دچار چالش شده باشد؟

پرونده نه، اما بحث‌های دیگری به‌عنوان مانع خصوصی‌سازی داشتیم؛ مثلاً فولاد آذربایجان و طرح مربوطه را فروختیم، اما به سبب مقاومت‌های بعضی از نمایندگان در موضع مقابل دولت که اصرار به فسخ قرارداد داشتند و شرایط انتظامی که ایجاد کردند، دولت مجبور به اقاله قرارداد شد.

اشاره کردید در این دولت خارج از قوانین عمل شده، اما در ماجرای مهاب قدس قوانین اثری نداشت، فشارها زیاد بود و در نهایت حکم رهبری بود که مهاب به دولت برگشت. چرا این اتفاق افتاد؟

نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم، چون پرونده بسیار قطوری بوده که دولت خیلی درگیر آن بود و مرتب می‌خواست این توجه را به بخش‌های مختلف بدهد که تصمیمی که در روزهای آخر دولت دهم در هیئت دولت گرفته می‌شود از باب انتقال مهاب قدس، بلافاصله با روی‌کارآمدن دولت یازدهم به فاصله دو، سه ماه یا کمتر لغو می‌شود. در مورد اصلاح ساختار شرکت‌های توزیع برق باید قبلاً اقداماتی انجام و حقوق مردم رعایت می‌شد، اما در مورد تصمیم خاصی گرفته نشده. منابعی که متعلق به مردم است در شرکت‌های توزیع برق به‌عنوان پایه‌های اصلی شرکت صبا دیده شده. این مصوبه الزاماتی داشته؛ یعنی قرار بوده منابعی بابت پروژه‌هایی هزینه شود که هیچ‌وقت هزینه نشده. قاعده‌اتلاف هم نباید انجام می‌شد، اما اینکه چرا اصرار به انتقال بود، مرجع تصمیماتی در دادگاهی شده بود که دولت به این تصمیمات اعتراض کرد و سه وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر نیرو و وزیر راه و شهرسازی با امضای مشترک برای مقام معظم رهبری درخواست بررسی مجدد از طریق رئیس محترم قوه قضائیه دادند و در جلساتی که آقایان وزرا و نمایندگان در کمیته‌ای برای بررسی موضوع در دفتر رئیس محترم قوه قضائیه برگزار شد، نتیجه‌گیری این شد که به دلیل اینکه مقدمات آن کار فراهم نشده، اجرای این مصوبه محل ایراد است و نمی‌توانسته اجرا شود. بعد هم که متعاقباً دولت جدید آن لغو کرد و قابلیت اجرا نداشته است. نتیجه این بررسی خدمت مقام معظم رهبری داده شد و ایشان هم حکم دادند که مهاب به دولت برگردانده شود.

مشابه این مورد، مواردی داشتید؟

در موضوع رد دیون که از ابتدای سال ۹۳، ممنوع می‌شود، بیش از ۴۰ مصوبه اجراننده قبلی باقی مانده که به موجب معنوعیتی که در سال ۹۳ صادر می‌شود، اجرایشان متوقف می‌شود و به نظر من، جلوه ضرر را از هرجا بتوان گرفت منفعت است.

آنها هم دچار چالش شدند؟

بعدا از سازمان شکایت‌هایی می‌شد، چون این مصوبات مربوط به دولت قبل است، سازمان باید اجرائی می‌کرد و ما مرتب دفاع کردیم و گفتیم الان پشتوانه‌ای برای کاری که در آن مقطع به سرانجام نرسیده وجود ندارد. توقف این مصوبات، فشار زیادی را بر سازمان وارد کرد. سازمان باید به دادگاه مراجعه می‌کرد و مجبور شدیم مصوبه دیگری از دولت تصحیح که دوباره تکتک در مورد این مصوبات قبلی، بصریک کند تا بخش قابل‌توجهی از آنها لغو شود؛ یعنی صراحت داشته باشیم که بتوانیم در دادگاه سنگینی وجود داشت که الحمدلله به تصویب رسید.

۴۰ مصوبه رد دیون در پایان دولت دهم رخ داده است؟
بله. غیر از سال ۹۴ که اجازه دادند به صندوق فولاد که مصوبات قبلی خودش را اگر اجرائی نشده تمام کند، به جای دیگری این اجازه را ندادند. حتی در برنامه ششم که اکنون صرفاً به تأمین اجتماعی و صندوق فولاد اجازه داده‌اند بابت رد دین در برنامه خصوصی‌سازی قرار بگیرند، آنها هم صرفاً از محل منابع می‌توانند دست به این عمل بزنند؛ یعنی عین‌السهمی داده نمی‌شود. این مصوبات، مربوط به سال‌های مختلف بوده که اجازه‌اش را در قانون بودجه سنواتی می‌گرفتند؛ یعنی اجازه می‌گرفتند که اولا بابت رد دین آنها را واگذار کنند که به نظر ما احتراقی در برنامه خصوصی‌سازی بوده که عین‌السهم را بریداریم، زیرا مشکل را بعد حاکمیت شرکتی دارد. علاوه‌برآن، بعداً مجوزی را در قانون بودجه سنواتی می‌گذاشتند که اگر مصوبه‌ای مربوط به چهار، پنج سال قبل است و اجرا نشده، ادامه داشته باشد. هردوی اینها متوقف شدند؛ هم دیگر عین‌السهم داده نمی‌شود و هم مجوزی بابت مصوبات اجراننده در قانون سال ۹۳ آورده نشده است. البته تعداد مصوبات خیلی بیشتر بوده، اما انتهایی را که به‌طور ویژه حقوق مالکانه در آنها قید و منتهی به بعضی پرونده‌های حقوقی علیه سازمان خصوصی‌سازی شده بود، یک‌بار دیگر تصریح کردیم وگرنه موجب قانونی‌اش وجود داشت.

دریچه

دشتستان پتروشیمی می‌خواهد

سیدحمیدرضا رونقی

● در هفته اول مردادماه سال جاری، شاهد اتفاقی عجیب در بخش آب‌پخش شهرستان دشتستان از استان بوشهر بودیم، در موقع حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت برای کلنگ‌زنی طرح پتروشیمی دشتستان، گروهی به مخالفت شدید با اجرای این طرح صنعتی پرداختند و نتیجه آن شد که کلنگ اجرای طرح مذکور به زمین نخورد. وزیر یک هفته مهلت داد تا در صورت ادامه مخالفت از اجرای طرح مذکور در این منطقه خودداری شود. قرار است پتروشیمی دشتستان در زمینه تولید پلی‌استال و صنایع پایین‌دستی آن نیز در زمینی به مساحت ۳۰ هکتار در زمینه قطعات صنعتی پلی استال ساخته شود. مقرر است خوراک متانول این پتروشیمی از ماهشهر و عسلویه تأمین شود و در ۱۴۰ هکتار اراضی تعیین‌شده برای ایجاد صنایع مختلف در دشتستان بخشی از آن برای ساخت مجتمع پتروشیمی اختصاص یابد.

پلیمر پلی‌استال با توجه به دارا بودن خواص ویژه کاربردهای فراوان و متنوعی در صنایع لوازم خانگی، مصالح ساختمانی، قطعات خودرو، شاورساری، لوازم صیادی، صنایع بسته‌بندی و سایر انواع محصولات لاستیکی و پلاستیکی دارد، به‌گونه‌ای که قریب به ۵۰ درصد پلی‌استال تولیدی دنیا در صنایع خودروسازی استفاده می‌شود. چنین طرحی مسلماً می‌تواند چهره محروم منطقه را دگرگون کند و برای جوانان بی‌کار منطقه امید و آرزو به ارمغان آورد. مخالفت با اجرای برخی طرح‌های صنعتی را در ژاپن و کشورهای فوق صنعتی قبلاً شاهد بوده‌ایم که به دلایلی نظیر آلودگی صوتی و آلودگی محیط زیست صورت می‌گرفت. اما وقتی که این مخالفت را در منطقه محروم آب‌پخش و خیل جوانان بی‌کار آن مشاهده می‌کنیم، آه از نهادمان بیرون می‌آید و انگشت حیرت دشتستان با نخلسن‌هایش نگران کشاورزی خود از نوع باغداری و زراعت هستند و دلواپس پایین‌آمدن سفره‌های زیر زمینی و احتمال تداوم‌نداشتن کشاورزی با آب سد رئیسعلی دلواری هستند. اما مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان بوشهر در این زمینه پاسخ داد: «شکل‌گیری صنعت پتروشیمی دشتستان از نظر ما بلامانع است و تأمین آب آن فقط از راه درآ میسر است». مجری طرح پلی‌استال مجوزها و موافقت‌های لازم را از دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت نیرو و آب منطقه‌ای استان برای تأمین آب گرفته که در آن رعایت الزامات زیست‌محیطی آب و زمین‌های مجاور اجرای طرح لحاظ شده است.

علاوه بر این، طرح جامع زیست‌محیطی به تأیید واحد ایمنی بهداشت و محیط زیست «اج‌اس‌ای» شرکت ملی صنایع پتروشیمی رسیده و بیوست سلامت نیز دارد. مخالفت‌ها اگر به بهانه زیست‌محیطی باشد، هیچ جای استان با کشور نباید سرمایه‌گذاری و ایجاد عمران و آبادانی شود. کشورهای حاشیه جنوب خلیج‌فارس با آنکه از لحاظ منابع آب نیززمینی بسیار فقیرتر از استان بوشهر هستند، با نظم و انضباط و جلوگیری از ایجاد چاه‌های عمیق و با احداث آب‌شیرین‌کن تأسیسات پتروشیمی فراوانی را در زمین‌های خالی از منابع آب خود احداث کرده‌اند. بنابراین، چرا نباید این صنعت در دشتستان همچون نواحی جنوب خلیج‌فارس ایجاد شود و مردم از مزایای آن بهره‌مند بشوند. حال بهتر است به عجایب دیگری نیز در این استان اشاره شود.

همه رئیسعلی دلواری را سردارزی بزرگ که شرف و افتخار برای میهن به ارمغان آورده است، می‌دانیم. اما وقتی بدانیم برخی از زمین‌داران استان و وابستگان آنان رئیسعلی را به‌عنوان یک راهزن می‌شناسند و با او به‌شدت مخالفت می‌کنند، حیرت می‌کنیم. تجربت آن نیکد، سال‌هاست در هر جای استان بزرگ‌گذاشتی برای رئیسعلی دلواری گرفته می‌شود، گروهی با شدت و حرارت به مخالفت برمی‌خیزند و با تمام توانایی او را می‌کوبند و از او به بدی یاد می‌کنند. کار به آنجا کشیده است درحالی‌که سرداران دیگر ایران در مناطق دیگر کشور که هم‌زمان وی بوده‌اند، نظیر ستارخان و باقرخان و میرزا کوچک خان جنگلی دارای عکس‌ها و تصاویر متعدد در حالت‌های گوناگون هستند. از رئیسعلی دلواری عکسی نمانده است. تنها عکس به‌جای‌مانده از وی که به تأیید استادان تاریخ رسیده و در کتاب تاریخ دبیرستان به چاپ رسیده است، با مخالفت این گروه روبه‌رو شده و مانع از انتشار آن در استان شده. مسئول قلعه رئیسعلی دلواری در شهرستان دلوار به نام آقای شاکر که خود نوه خااهر رئیسعلی است در این زمینه می‌گوید، یکی از مخالفان ادعا کرده و به او گفته این عکس جد ما بوده است که سال‌ها در خانه ما بوده است و چرا شما می‌خواهید به‌عنوان عکس رئیسعلی دلواری به آن استاد کنید!.. حقیقت ماجرا آن است که رئیسعلی دلواری هرگز خود را خاثر آن خطاب نکرد و همواره رئیس باقی ماند و با بسیاری از خان‌های زورگو و زمین‌داران وابسته در منطقه اختلاف داشت. حتی وی که دشمن استعمارگران متجاوز انگلیسی بود و به آنان ضربات دهنشکنی وارد کرد، به دست یک فرد انگلیسی کشته شد، بلکه به دست یکی از عوامل خان‌ها و زمین‌داران منطقه که با او دشمنی داشتند، به قتل رسید. برخی از زمین‌داران و خان‌ها در آن زمان پیشرفت منطقه را مغایر با منافع خود می‌دیدند و عقب‌ماندگی مردم را مسیری برای کسب امتیاز برای خود می‌دانستند. بنابراین هرگز نباید اجازه داد روش خطای آنان در گذشته بار دیگر مانع از پیشرفت منطقه شود.